

◇ فصلنامه علمی □ پژوهشی زن و فرهنگ

سال چهارم. شماره شانزدهم. تابستان ۱۳۹۲

صفحات: ۵۲-۳۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۱۲/۲۱- تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۴

مقایسه شیوه های فرزند پروری و اختلالات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیر شاغل

زینب خانجانی*

رقیه محمودزاده**

چکیده

اشتغال مادر در بیرون از منزل دارای پیامدهای مختلفی از جمله در سبک فرزند پروری و وضعیت رفتاری کودک است. این پژوهش با هدف بررسی شیوه های فرزند پروری مادران شاغل و غیر شاغل و ارتباط آن با اختلالات رفتاری کودکان انجام شده است. پژوهش حاضر یک مطالعه علی-مقایسه ای است. نمونه مورد بررسی در این پژوهش ۱۲۰ زوج مادر-کودک بودند که به صورت تصادفی از چهار مهد کودک در شهر تبریز انتخاب شدند. پرسشنامه اختلالات رفتاری راتر (فرم مادر و مربی) و پرسشنامه شیوه های فرزند پروری با مریند ابزارهای اندازه گیری این پژوهش بودند. برای بررسی و تحلیل داده ها از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) و آزمون t مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد کودکان مادران شاغل و غیر شاغل از نظر مشکلات رفتاری تفاوت معناداری با هم نداشتند. مادران خانه دار به طور معناداری شیوه تربیتی مقتدرانه تری از مادران شاغل داشتند. ولی در شیوه فرزند پروری آزادگذاری و استبدادی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد.

کلید واژگان: اختلالات رفتاری کودکان، شیوه های فرزند پروری، مادران شاغل و غیر شاغل.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* دانشگاه تبریز، دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول؛ zeynabkhanjani@yahoo.com)

** دانشگاه تربیت معلم تهران، کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، ایران.

مقدمه

یکی از تغییرات مهم در زندگی امروزی، افزایش تعداد مادران شاغل در بیرون از منزل است. از سال ۱۹۵۰ به بعد تعداد زنان شاغل در کشورهای صنعتی چون امریکا تا ۷۰٪ افزایش یافته است (کلارک - استوارت^۱، ۱۹۹۳، فوگل^۲، ۱۹۹۷). مهم ترین علت این روند صعودی مسائل اقتصادی و مالی است. از یک سو تمایل به حفظ و بهبود سطح زندگی خانوادگی و از سوی دیگر افزایش هزینه های زندگی موجب گردیده است که مادر و پدر، هر دو برای افزایش سطح درآمد خانواده مشغول به کار شوند. عوامل موثر دیگر شامل بالا رفتن سطح تحصیلات زنان و گرایش آنها به استقلال مالی، مشارکت اجتماعی، رشد اجتماعی و فرهنگی است (کلارک - استوارت، ۱۹۹۳).

بر طبق نظر برخی از نظریه پردازان از جمله نظریه نظام های بوم شناختی^۳ استخدام مادر یک عامل بوم شناختی است که بر خانواده، رفتار کودکان و سبک تربیتی تاثیر مهم دارد. تقاضای مداوم و مکرر خانوادگی و شغلی برای زنان شاغل پدیده ای به نام نقش «مسئولیت (بار) بیش از حد» را ایجاد می کند. هنگامی که تقاضاهای یک نقش بیش از حدی است که فرد بتواند به آسانی با آنها مقابله کند و یا هنگامی که از فرد واحدی تقاضای اجرای نقش های چندگانه می شود، نقش «مسئولیت بیش از حد» به وجود می آید. در حالی که این پدیده مهم که دارای پیامدهای فراوان برای مادر شاغل و فرزندان او است، در زنان خانه دار مشاهده نمی گردد. مقایسه مسئولیت ها و وظایف مادران شاغل و غیرشاغل به خوبی احتمال وجود تفاوت در سبک های فرزندپروری و وضعیت تحول عاطفی و رفتاری مادران شاغل و غیرشاغل را روشن می سازد. زنان شاغل بعد از ساعت های طولانی اشتغال در بیرون از منزل وقتی به خانه بازمی گردند، باید وظایف مربوط به نقش همسری و نقش مادری را نیز انجام دهند. آنها در مقایسه با مردان بیشتر مسئول کارهای مراقبتی و خانه داری هستند. از سوی دیگر برنامه های کاری غیرمنعطف در اکثر کشورهای جهان، فرصت و زمان اندکی برای رسیدگی به امور روزمره زندگی فرزندان و یا خانواده به طور کلی باقی می گذارد (فوگل، ۱۹۹۷). بنابراین چنین وظایفی موجب تنیدگی های روان شناختی و جسمانی، احساس خستگی، تنهایی و انزوا، احساس تعارض و درگیری دائمی برای ایجاد تعادل بین نقش مادری، همسری، اشتغال بیرون از منزل، می گردد. و مهم تر آن که موجب احساس گناه و نگرانی درباره ترک فرزند و چگونگی مراقبت های غیرمادرانه از کودک در غیاب او می شود. و این در حالی است که زنان خانه دار کمتر با این نوع تعارضات و احساس گناه درباره فرزندان خود مواجه اند (کلارک - استوارت، ۱۹۹۳). زیرا به دلیل نداشتن مسئولیت های متعدد ساعات زیادی حضور فیزیکی برای فرزندان خود دارند و

1. Clarck-Stewart

2. Fogel-2

3. Ecological systems

اغلب احساس می‌کنند که تمام وقت خود را در اختیار خانواده و فرزندان خود هستند. برخی از مادران شاغل دلبستگی نایمن را در کودکان خود تسریع می‌کنند زیرا غیرقابل دسترس هستند، نه تنها به دلیل آن که تمام روز دور از کودک به سر می‌برند بلکه به این دلیل که حتی در مواقعی که در کنار کودک قرار دارند مجبور به انجام وظایفی هستند که در رقابت با وظایف مربوط به کودک است. برخی دیگر از مادران شاغل ممکن است از لحاظ روان شناختی غیرقابل دسترس باشند. بسیاری از آنان احساس می‌کنند که بیش از حد کار می‌کنند و خسته هستند و دائم زیر فشار زمان قرار دارند. «زمان» یک مفهوم مهم در ارتباط بین مادر - کودک است. در نظریه‌های تحولی «زمان» بعنوان یک منبع یا وسیله ارزشمندی است که والدین آن را در فرزندان شان سرمایه گذاری می‌کنند. بنابراین غیرمنطقی نیست اگر این مادران از لحاظ روانی و عاطفی برای کودکان خود غیرقابل دسترس باشند. در واقع نه تنها کمیت زمان بلکه چگونگی و کیفیت ارتباط مادر-کودک مهم است. زمانی را که مادر با کودک می‌گذراند باید همراه با توجه و مسئولیت پذیری برای رشد کودک باشد (هوستون و آرونسون، ۲۰۰۵). چنین وضعیتی در مورد زنان خانه دار صادق نیست زیرا ساعات طولانی بدون آن که در معرض فشار غیرعادی زمان باشند در کنار کودک خود قرار دارند. بیانچی^۵ (۲۰۰۰) معتقد است، زمانی را که مادران خانه دار می‌توانند صرف درآمذزایی کنند به امور تربیتی کودکان خود اختصاص می‌دهند. در نتیجه احتمال وجود سبک‌های فرزندپروری مثبت تر در مادران خانه دار بیشتر است. در این نوع خانواده‌ها پدران اصلی ترین نقش را در سبک درآمد خانواده دارند. به این ترتیب کودکان به نسبت سودمندی والدین خود، هم زمان (از مادر) و هم منابع مالی مورد نیاز را (از پدر) به دست می‌آورند. حال اگر این تناسب نقش‌ها به هم بخورد بیشتر احتمال دارد با سبک‌های تربیتی منفی تر مواجه شوند.

به همین دلیل این احتمال مطرح است که احساس خودکارآمدی مادران در زنان شاغل کمتر از زنان خانه دار باشد (کلارک-استوارت، ۱۹۸۹).

دیس جاردین^۶ (۲۰۰۶) خودکارآمدی والدینی را به معنای حس توانایی فرد جهت انجام دادن وظایف و نقش‌های روزمره والدینی از جمله کیفیت و کمیت مراقبت از کودک و پاسخ دهنده‌گی به او تعریف می‌کنند. از نظر کولمن و کاراکر^۷ (۲۰۰۳) این که والدین به چه میزان در توانایی شان جهت به دست گرفتن همه جنبه‌های فرزندپروری کودک احساس اثرمندی می‌کنند به عنوان خودکارآمدی والدینی در نظر گرفته می‌شود. بسیاری از مطالعات نشان

4. Huston & Aronson

5. Bianchi

6. Desjardin

7. Colman & Karraker

می دهند که باورهای مربوط به خود در مادران ارتباط مستقیمی با رفتارهای فرزندپروری و تعامل مادر-کودک دارد.

مادرانی که خود را در انجام وظایف مادرانه توانمند ارزیابی می کنند در مقایسه با آنهایی که این باور را ندارند موفقیت بیشتری را تجربه می کنند و سبک های فرزندپروری مثبتی مانند سبک مقتدرانه و شیوه های گرم و پذیرا برای تعامل را ارائه می دهند (فینالسون، سیفرت، اسماعیل و وسانگ^۸، ۲۰۰۷). مطالعات نشان داده اند، مادرانی که خود کارآمدی والدینی پایین و سبک فرزندپروری منفی دارند، فرزندانشان دارای اختلالات خواب (ساده، تیکوزکی و اسچر^۹، ۲۰۱۰)، مشکلات رفتاری و ناسازگاری (ویور، شاول، دیشون^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۸) و مشکلات برونی سازی (سونگ، هیسکوک، سیراس^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۸) بیشتری هستند.

به نظر می رسد که اشتغال مادر در بیرون از منزل به تنهایی تبیین کننده مشکلات رفتاری و عاطفی کودک نیست و متغیرهای مهم دیگری مانند تمایل و اشتیاق مادر به کار خود نقش مهمی دارد. کاری که مادر در حال انجام آن است (اشتغال بیرون از منزل و یا خانه داری) چنانچه کار ترجیحی او باشد، احتمال رخداد سبک های مثبت فرزندپروری مانند سبک مقتدرانه و والدگری موثرتر را افزایش می دهد. برخی از تحقیقات سوگارد، کریتر-سیلوراستین و وین گارد^{۱۲} (۱۹۹۴)، ون دل و رامن نان^{۱۳} (۱۹۹۲) نشان داده اند، زنان خانه دار که به خانه داری علاقه ندارند نسبت به زنان شاغل علاقمند به کار خود دارای مشکلات بیشتری در زمینه مقابله با مشکلات فرزندپروری بوده و سبک های منفی تری مانند مستبدانه سرد و یا سهل گیرانه با فرزند خود دارند. فارل^{۱۴} (۱۹۹۰) نیز به بررسی اثرات نقش های ترجیحی مادر بر میزان ناسازگاری و مشکلات رفتاری کودکان پرداختند. نتایج نشان داد، کودکان مادرانی که شاغل نبودند اما اشتغال در بیرون از منزل را ترجیح می دادند (زنان خانه دار ناراضی) دارای مشکلات رفتاری بیشتری بودند. نتیجه تعجب آور دیگر آنکه فرزندان مادرانی که شاغل بودند اما خانه داری را ترجیح می دادند (زنان شاغل ناراضی) مشکلات رفتاری زیادی نشان ندادند. احتمال دارد این گروه از کودکان در معرض اظهار نارضایتی دائم مادر قرار نداشته اند. دیگر این که کودکان اوقات خاصی را با مادر به سر برده اند که در آن اوقات نارضایتی مادر جبران شده است (زیرا موقعیت مورد دلخواه مادر است). همچنین احتمالاً پیام منتقل شده مادران شاغل پذیرفتن و مجاورت با

8. Finlayson, Siefert, Ismail & Woosung

9. Sadeh, Tokotzky & Scher

10. Weaver, Shaw, Dishion

11. Sung, Hiscock & Sciberas

12. Sogaard, Kritz-Silverstein, Wingard

13. Vendall, Ramanan

14. Farel

کودک است در حالی که پیام مادران خانه دار ناراضی، طرد و دوری از کودک است. در مورد تفاوت بین سبک فرزندپروری و مشکلات رفتاری مادران شاغل و خانه دار پژوهش‌ها متعددی صورت گرفته است که هریک از منظر متفاوتی به آن پرداخته اند و نتایج متفاوت و گاه متناقضی نیز به دست آورده اند. به عنوان مثال برطبق برخی از مطالعات نقش نظارتی مادر شاغل (به ویژه مادرانی که ساعات طولانی در طی روز در خارج از منزل هستند) بر روی ابعاد مختلفی از زندگی کودک نسبت به مادران غیرشاغل بسیار کاهش می‌یابد و به واسطه این نظارت کمتر احتمال افزایش مشکلات رفتاری و تفاوت در سبک‌های فرزندپروری، بیشتر می‌شود (کالیل و دیونی فون^{۱۵}، ۲۰۰۷).

الگوی زیست بومی^{۱۶} برونروسی سای (نقل از دانیل، کریزیواکز، لیوکز^{۱۷} و همکاران، ۲۰۰۹) چارچوب مناسبی را برای ارتباط بین اشتغال تمام وقت مادر و پیامدهای بعدی آن بر کودک ارائه داده است. این نظریه مطرح می‌کند که تعامل محیط - فرد تأثیرات پیچیده‌ای بر تحول انسان دارد. بر اساس این مدل تنیدگی‌های روانی ناشی از فشار کار مضاعف بر مادر موجب کاهش سلامت جسمانی و هیجانی مادر شده که چنین مادری قادر نیست با فرزندش به شیوه گسترده و متناسب با تحول کودک تعامل داشته باشد. برخی مطالعات از آثار منفی اشتغال مادر بر وضعیت روان شناختی فراتر رفته اند و نشان داده اند، از آنجایی که مادران شاغل زمان کمتری برای نظارت بر فعالیت‌های روزانه کودک خود دارند و چون در خانه نیستند فرزندان آنها بیش از کودکان مادران خانه دار از تلویزیون استفاده می‌کنند (براون، بوروم، نیچولسون و همکاران^{۱۸}، ۲۰۱۰). و دارای تمرکز کمتر بوده و از غذاهای فست فود که سریع تر آماده می‌شوند بیشتر استفاده می‌کنند، در نتیجه درصد بالاتری از آنان نسبت به فرزندان مادران خانه دار از وزن اضافی و در نتیجه مشکلات ارتباطی با دیگران و عزت نفس پایین تر برخوردارند (کریگ و بیت من^{۱۹}، ۲۰۰۸).

اما نتایج برخی از مطالعات دیگر نه تنها این پیامدهای منفی را به دست نیاورده اند بلکه حتی از پیامدهای مثبت اشتغال مادر نسبت به عدم اشتغال صحبت می‌کنند. برای مثال مطالعات کنوکس، میلر و گنتین^{۲۰} (۲۰۰۰) مویده آن بود که فرزندان زنانی که وضعیت مالی ضعیفی دارند و شاغل نیستند یا دارای مشاغل زودگذر هستند نسبت به زنان شاغل دائمی مشکلات رفتاری بیشتری دارند. پژوهش‌ها آشکار ساخته اند درآمد اضافی که از اشتغال مادران به دست می‌آید باعث کاهش سطح استرس می‌شود و احتمال ابتلا به افسردگی مادر و به تبع آن

15. Kalil , Dunifon

16. Biological model

17. Daniel , Grzywacz , Leerkes

18. Brown , Broom , Nicholson

19. Craig , Bittman

20. Knox , Miller , Gennetion

مشکلات رفتاری کودک را کاهش می دهد (برگر، بروکس - گان، پاکسون و فوگل^{۲۱}، ۲۰۰۷).

در مورد تفاوت در سبک فرزندپروری نیز اغلب نتایج متفاوت و گاه ناهمسو می باشند. مثلا مشخص شده، مادران شاغل بیش از مادران خانه دار احساس فشار روانی و احساس گناه نسبت به عملکرد مادرانه خود دارند که این مسئله گاه موجب سبک فرزندپروری بیش از حد حمایت کننده و یا سهل گیرانه می شود. در واقع بدین وسیله مادر در پی جبران احساس گناه خود است (هافمن و میچگان^{۲۲}، ۱۹۷۹). و این در حالی است که مطالعه گرین برگر و گلدبرگ^{۲۳} (۱۹۸۹) حاکی از آن بود که زنان شاغلی که تعهد و پذیرش بالایی هم به شغل خود و هم به فرزندپروری خود دارند بیش از مادران خانه دار از سبک فرزندپروری مقتدرانه استفاده می کنند.

بنابراین به نظر می رسد عواملی مثل پذیرش شغل خود نیز از عوامل موثر در سبک فرزندپروری محسوب می شود. اما بی ی^{۲۴} (۱۹۹۵) مطرح می کند که شغل مادر بیشتر بر روی سبک فرزندپروری تاثیر می گذارد و این سبک نیز به نوبه خود به عنوان یک متغیر واسطه ای روی پیشرفت تحصیلی فرزندان تاثیر دارد. اغلب مادران شاغل بیش از مادران غیرشاغل از سبک فرزندپروری مقتدرانه استفاده می کنند. لیوکاس، تامپسون، گلدبرگ^{۲۵} و همکاران (۲۰۱۰) نیز با مرور مجدد ۶۹ پژوهش که در آن اثرات استخدام مادر را بر دو بعد مهم زندگی کودک یعنی پیشرفت تحصیلی و مشکلات رفتاری بررسی کرده بودند، نشان دادند که ارتباط معنی داری بین اشتغال مادر با مشکلات برونی سازی و درونی سازی دوره کودکی و پیشرفت تحصیلی وجود ندارد.

چنین تناقضات آشکاری ما را بر آن داشت که به منظور یافتن پاسخی روشنگر و قاطع در پی پژوهش در این حیطه باشیم. چرا که امروزه در ایران نیز روز به روز بر تعداد مادران شاغل تمام وقت که ساعات طولانی در روز جدا از فرزند خود به سر می برند افزوده می شود. بنابراین انجام پژوهش هایی در این زمینه برای جامعه در حال دگرگونی ما از اهمیت وافری برخوردار است. بنابراین هدف این پژوهش بررسی مقایسه ای سبک های فرزندپروری و مشکلات رفتاری کودکان در مادران شاغل و خانه دار می باشد.

روش پژوهش جامعه آماری و روش نمونه گیری

²¹. Berger, Brooks-Gunn, Paxon, Fogel ,

²². Hafman , Michigan

²³. Greenberger , Goldberg

²⁴. Beyer

²⁵. Lucas , Thompson , Goldberg

جامعه آماری مورد مطالعه شامل تمام مادران دارای کودکان ۶ و ۵ ساله شهر تبریز می‌باشد. آزمودنی‌های این پژوهش شامل ۵۱ کودک بود که مادران شاغل داشتند و در ۲ طیف سنی ۶ و ۵ ساله قرار داشتند و از هر گروه سنی حدوداً ۲۵ نفر به طور تصادفی ساده انتخاب شدند. همچنین ۶۹ کودک که مادران خانه‌دار داشتند نیز انتخاب شد که در همان طیف سنی ۶ و ۵ ساله بودند و از هر گروه سنی حدوداً ۳۵ نفر به طور تصادفی ساده انتخاب شدند. نحوه‌ی انتخاب آزمودنی‌ها در هر گروه بدین صورت بود که از بین مهد کودک‌های موجود در شهر تبریز چهار مهد کودک به طور تصادفی انتخاب شد و از هر مهد کودک ۳۰ کودک ۶ و ۵ ساله انتخاب شدند.

ابزارهای اندازه‌گیری

۱) پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند^{۲۶}: که از سه الگوی آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری والدین، استفاده کرده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین مربوط می‌شود. والدین با مطالعه هر ماده نظر خود را بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌کنند که از صفر تا ۴ نمره گذاری می‌شود و با جمع نمرات ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، اقتدار منطقی و استبدادی برای هر آزمودنی بدست می‌آید.

پایایی باز آزمایی این پرسشنامه برای آزادگذاری ۰/۶۹، برای استبدادی ۰/۷۷ و اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش شده است. همچنین در مورد اعتبار پرسشنامه، مستبد بودن پدر رابطه معکوس با آزادگذاری (۰/۵۰) و اقتدار منطقی (۰/۵۲) او دارد. همچنین بوری^{۲۷} در سال ۱۹۹۷ (نقل از بیرامی^{۲۸} و خسروشاهی، ۱۳۸۹) پایایی پرسشنامه مزبور را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به ترتیب ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیری، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸ درصد برای شیوه مقتدرانه و در بین پدران به ترتیب ۰/۷۷ برای شیوه سهل‌گیری، ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۸ برای شیوه قاطع گزارش نمود.

۲) پرسشنامه مشکلات رفتاری راتر^{۲۸} (فرم مادر و موی): پرسشنامه دارای ۳۰ آیتم است که در سه گزینه «صدق نمی‌کند»، «تا حدودی صدق می‌کند» و «کاملاً صدق می‌کند» تنظیم شده است. که به هر گزینه به ترتیب نمره صفر، یک و دو داده می‌شود. شایان ذکر است که دامنه نمرات در این پرسشنامه از صفر تا شصت در نوسان است. اسکاکار، راتر و اسمیت^{۲۹} (۱۹۸۱، نقل از تکلوی، ۱۳۹۰) اظهار می‌دارند که ضرایب پایایی بازآزمایی و آلفای کرونباخ این پرسشنامه بسیار بالا است. ضریب

26. Baumrind parenting styles questionnaire

27. Bouri

28. Rutter Children's Behaviour Questionnaire

29. Skakat, Rutte & Smith

پایایی بازآزمایی با فاصله دو ماه ۰/۷۴ برای فرم والدین و ۰/۸۹ برای فرم معلم گزارش شده است. همچنین همبستگی بین پاسخ □ های پدران و مادران ۰/۶۴ و بین نمره گذاری دو معلم ۰/۷۲ بود.

این پرسشنامه در ایران توسط یوسفی (۱۳۷۷) روی ۱۶۰۰ دانش آموز دختر و پسر شش تا یازده ساله در پایه های اول تا پنجم دبستان □ های شیراز تجدید نظر و هنجاریابی شده است. که همبستگی بالایی با آزمون هوشی آدمک گودیناف، بندر گشتالت و معدل درسی و ارزیابی معلم مشاهده شده است.

یافته □ های پژوهش

جدول ۱: شاخص های توصیفی سه سبک فرزندپروری مستبدانه، آزاد گذارانه و مقتدرانه و مشکلات رفتاری کودکان در دو گروه از مادران شاغل و غیر شاغل

مشکلات رفتاری کودکان	مقتدرانه	مستبدانه	آزاد گذارانه	وضعیت اشتغال مادران	
۵۱	۵۱	۵۱	۵۱	تعداد نمونه	شاغل
۸/۹۶	۳۱/۹۶	۱۱/۷۱	۱۶/۰۴	میانگین	
۱	۲۰	۲	۷	کمترین حد	
۲۲	۴۰	۲۴	۲۴	بیشترین حد	
۳/۹۶۵	۳/۹۳۴	۴/۱۶۸	۴/۱۵۷	انحراف استاندارد	
۶۹	۶۹	۶۹	۶۹	تعداد نمونه	خانه دار
۹/۶۵	۳۳/۱۷	۱۴/۳۵	۱۶/۱۹	میانگین	
۲	۲۶	۱	۴	کمترین حد	
۲۰	۴۰	۳۱	۲۷	بیشترین حد	
۴/۰۱۰	۳/۵۳۵	۵/۷۸۲	۵/۰۹۷	انحراف استاندارد	
۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	تعداد نمونه	کل
۹/۳۶	۳۲/۶۶	۱۳/۲۳	۱۶/۱۲	میانگین	
۱	۲۰	۱	۴	کمترین حد	
۲۲	۴۰	۳۱	۲۷	بیشترین حد	
۳/۹۸۹	۳/۷۴۳	۵/۳۰۳	۴/۷۰۲	انحراف استاندارد	

بر اساس جدول ۱ نمره شیوه های فرزندپروری آزاد گذاری، استبدادی و اقتداری و مشکلات رفتاری کودکان را به تفکیک مادران شاغل و خانه دار و همچنین در کل را نشان می □ دهد. همان طور که مشاهده میشود، در هر دو گروه مادران شاغل و خانه دار بالاترین میانگین متعلق به سبک تربیتی اقتداری است. که میانگین آن در مادران خانه دار ۳۳/۱۷ و در مادران شاغل ۳۱/۹۶ می □ باشد. و میانگین سبک تربیتی آزاد گذاری در مادران خانه دار ۱۶/۱۹ و در مادران شاغل ۱۶/۰۴ است. کمترین میانگین متعلق به سبک تربیتی استبدادی می □ باشد که در مادران خانه دار ۱۴/۳۵ و در مادران شاغل ۱۱/۷۱ است. در کل گرایش مادران به ترتیب به سبک مقتدرانه سپس آزاد گذاری و در آخر استبدادی می □ باشد.

همچنین میانگین مشکلات رفتاری کودکان مادران خانه دار ۹/۶۵ و کمی بیشتر از مشکلات رفتاری کودکان مادران شاغل ۸/۹۶ است.

فرضیه اول: بین شیوه □ های فرزندپروری مادران شاغل و غیر شاغل تفاوت وجود دارد.

جدول ۴: آزمون t مستقل برای مشکلات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیر شاغل

تفاوت خطای استاندارد	تفاوت میانگین ها	سطح معنی داری	درجه آزادی	t	Sig	F	مشکلات رفتاری کودکان
۰/۷۳۷	-۰/۶۹۱	۰/۳۵۰	۱۱۸	-۰/۹۳۸	۰/۳۹۳	۰/۷۳۴	

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که بین کودکان مادران شاغل و غیر شاغل از لحاظ مشکلات رفتاری تفاوت معنی دار آماری ($p = ۰/۳۹۳$) وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی شیوه های فرزندپروری مادران شاغل و غیر شاغل و بررسی تفاوت کودکان مادران شاغل و غیر شاغل از نظر مشکلات رفتاری، انجام گرفت.

نتایج پژوهش حاضر با نتایج لوک (۲۰۰۲ نقل از اوندرو و گولی^{۳۰}، ۲۰۰۹)، با یافته های بامریند^{۳۱} (نقل از شرودر و گوردون^{۳۲}، ۲۰۰۲، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۴)؛ کوچانسکا (نقل از شرودر و گوردون^{۳۲}، ۲۰۰۲، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۴) اوندرو و گولی^{۳۰} (۲۰۰۹)، هوستون و ارونسون (۲۰۰۵)، بیانچی (۲۰۰۰) و شرودر و گوردون (۲۰۰۲)، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۴) همسو است. و همچنین با نتایج مطالعات کاری من، هاس، تیوجیل^{۳۳} و همکاران (۲۰۰۹) نیز که نشان دادند کنترل زیاد از سوی والدین مستبد در دراز مدت مشکلات رفتاری بیشتری در کودک ایجاد می‌کند، همسو است.

مهم ترین یافته پژوهش آشکار ساخت که مادران شاغل و غیر شاغل در شیوه فرزندپروری مستبدانه و آزادگذارانه تفاوت معنی داری باهم ندارند. اما در سبک تربیتی اقتداری تفاوت معنی داری وجود دارد که مؤید آن است که مادران خانه دار بیشتر از این سبک استفاده می‌کنند.

یک تبیین احتمالی این یافته مربوط به روبه رو بودن مادران شاغل با دو بار مسئولیت است که ناشی از کار در بیرون از منزل و دیگری مسئولیت مراقبت از کودک و انجام تمام وظایفی است که یک مادر خانه دار به عهده دارد (رایتیچی^{۳۴}، ۱۹۸۲) و همچنین برای مقابله کردن با این عقیده رایج که کار در بیرون از خانه به کودک آسیب وارد می‌کند باعث شده است این مادران برای جبران این نقص از شیوه ای ملایم تر و با اقتدار کمتر استفاده کنند. و همان طور که بررسی میانگین ها نشان می‌دهد مادران خانه دار در به کارگیری شیوه مستبدانه نمرات بیشتری داشتند (جدول شماره ۱). از سوی دیگر پژوهش های بسیاری نتایج

³⁰. Onder-Gulay

³¹. Baumrind

³². Schroeder-Gordon

³³. Karreman-Haas-Tuijl

³⁴. Ritchie

متفاوتی را نشان می‌دهند برای مثال برخی از این پژوهش‌ها نشان داده اند، نشانه‌های افسردگی در مادران خانه دار بیشتر است و این عامل استفاده بیشتر از شیوه مستبدانه را در مادران خانه دار میانجی‌گری می‌کند (هافمن و یونگ بلدی، ۱۹۹۸؛ برگر و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین (جکسون و همکاران، ۲۰۰۸) در یک مطالعه طولی نشان دادند، افزایش رفاه مادران باعث کاهش نشانه‌های افسردگی و بهبود شیوه‌های فرزندپروری است. بنابراین عوامل مختلفی از جمله سطح درآمد و رفاه، رضایت شغلی، تحصیلات، سلامت روانی و... به عنوان عوامل واسطه‌ای هستند که بر شیوه تربیتی مادران شاغل تاثیرگذار هستند (هافمن و یونگ بلدی، ۱۹۹۸؛ جکسون و همکاران^{۳۵}، ۲۰۰۸؛ رایتچی، ۱۹۸۲) و در این زمینه باید پژوهش‌های بیشتری در جامعه ایرانی صورت بگیرد.

و همان طور که هافمن و یونگ بلدی^{۳۶} (۱۹۹۰) به نقل از هوستون و آرونسون، ۲۰۰۵) نشان دادند زنان شاغل عموماً تحصیلکرده تر هستند و درآمد خانوادگی بالاتری دارند. میزان درآمد بالاتر در زنان شاغل هم باعث می‌شود که آنان نسبت به خانواده‌ها بی‌کیفیت‌تر که فقط یک نفر دارای درآمد است مشکلات مالی کمتری داشته باشند. فقر به محیط خانه و سلامت روانی والدین و در نتیجه به سازگاری رفتاری و عاطفی والدین و کودکان ضربه می‌زند (مک و اینی، اوسیانیک، گرین و همکاران، ۲۰۰۸). (جکسون، بنتلر^{۳۷} و فرانک^{۳۸}، ۲۰۰۷؛ بامریند، ۱۹۹۱) به نقل از مک و اینی، اوسیانیک، گرین و همکاران، ۲۰۰۸) آشکار ساختند، بدست آوردن درآمد بالاتر باعث بهبود شیوه‌های تربیتی مستبدانه می‌شود.

دومین یافته پژوهش حاضر نشان داد، تفاوت معنی داری بین کودکان مادران شاغل و غیر شاغل از لحاظ مشکلات رفتاری وجود ندارد. این یافته با نتایج برخی از تحقیقات همسو است. برخی یافته‌ها نشان داده اند، اشتغال مادران رابطه معنی داری با مشکلات رفتاری کودکان ندارد (برگر، بروکس - گان، پاکسون و لدفوگل، ۲۰۰۷؛ هاروی، ۱۹۹۹)؛ به نقل از شرودر و گوردون، ۲۰۰۲، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۴) در مطالعه‌ای که کوه^{۴۰}، بورگه^{۴۱} و گوفری^{۴۲} و همکاران (۲۰۰۸) انجام دادند مشکلات رفتاری مثل پرخاشگری در دو گروه از کودکان چهار ساله که تحت مراقبت مادرانه و تحت مراقبت غیر مادرانه بودند بررسی شدند نتایج نشان داد کودکانی که به مهد کودک رفته اند و تحت مراقبت غیر مادرانه بوده اند نسبت به کودکانی که به مهد کودک نرفته اند (تحت مراقبت مادرانه) از

35. Jackson & et al

36. Hafiman-Youngblade

37. Jackson

38. Bentler

39. Franke

40. Cote

41. Borge

42. Geoffroy

پرخاشگری و مشکلات رفتاری بالاتری برخوردار هستند. اما این مسئله فقط در مورد طبقات پایین اجتماع صادق بود یعنی در طبقات اجتماعی بالا و متوسط تفاوت معنی داری بین این دو گروه از کودکان مشاهده نشد. در مورد یافته های این پژوهش نیز میتوان این طور نتیجه گرفت که به دلیل هم سطح بودن کیفی مهد کودک های شهر تبریز تفاوت معنی داری بین کودکان مادران شاغل و غیرشاغل از نظر مشکلات رفتاری مشاهده نشد. همچنین نتایج مطالعات دانیل^{۴۳}، گزری واکز^{۴۴}، لیرکز^{۴۵} و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد در صورتی که ساعات کاری روزانه مادر استاندارد بوده و کمتر از ۳۶ ساعت در هفته باشد تفاوت معنی داری بین مشکلات رفتاری کودکان مادران شاغل و خانه دار وجود ندارد. و حتی هوشنگ (۱۳۷۹) در مطالعه ای آشکار ساخت، اشتغال مادران دارای تاثیر مثبت در کاهش میزان بروز اختلالات عاطفی - رفتاری کودکان می باشد. و رفیع زاده (۱۳۸۱) نیز نشان داد، میزان سازگاری اجتماعی فرزندان مادران شاغل بیشتر از میزان سازگاری اجتماعی فرزندان مادران غیرشاغل است. کینگستون و نوک^{۴۶} (۱۹۸۸) به نقل از بیانچی (۲۰۰۰) بیان میکنند، مادران خانه دار تمام وقتشان را به بچه ها اختصاص نمی دهند بلکه بیشتر وقت آنها صرف انجام امور مربوط به خانه داری می شود. در مورد کودکان دبستانی تفاوتی بین مادران شاغل و غیر شاغل از نظر صرف زمان با کودکان وجود نداشت در واقع مادران خانه دار هم بخش کوچکی از زمانشان را به بچه ها اختصاص می دهند. به همین دلیل تفاوت معنی داری بین دو گروه وجود ندارد.

امروزه علی رغم افزایش پیوستن مادران به نیروی کار ارتباط مادر با کودک نسبت به گذشته محکم تر و استوارتر شده است و زنان راههای برقراری تعادل بین کار و رسیدگی به کودک را پیدا کرده اند. زنان شاغل در پرداختن به کارهای خانه شیوه های متفاوتی از مادران غیرشاغل به کار می برند و راههایی را جست و جو می کنند تا زمان با کودک بودن را افزایش دهند.

هوستون و آرونسون (۲۰۰۵) دریافتند، خانم های شاغل زمانی که سر کار نیستند مثل روزهای تعطیل آخر هفته نسبت به مادران غیرشاغل زمان بیشتری را با کودکان صرف می کنند و به این شکل غیبتشان را جبران می کنند.

ولد فوگل^{۴۷} (۱۹۹۷)؛ به نقل از بیانچی، (۲۰۰۰) تاکید می کند که زنان ناسازگاری بین کار و زندگی را به وسیله تغییراتی که در شغلشان ایجاد می کنند به حداقل می رسانند. مثلاً به شکل نیمه وقت کار می کنند و در واقع کنترلشان بر زندگی کودک را حفظ می کنند.

43. Daniel

44. Grzywacz

45. Leerkes

46. Kingstone-Nock

47. Woldfogel

فاکتورهای دیگری هم در این مسئله وجود دارند، مثل تمایل والدین برای نگهداری بچه □ها توسط جانشین مادر مثل مادر بزرگ و پدر بزرگ یا خواهر و برادرهای بزرگتر (ماسن و پالن^{۴۸}، ۱۹۸۱؛ به نقل از بیانچی، ۲۰۰۰).

همچنین تبیین احتمالی دیگر مربوط به نقش پدران در مراقبت از کودک است و همان طور که بیانچی (۲۰۰۰) بیان می □کند امروزه پدران مشارکت بیشتری نسبت به گذشته در تربیت و پرورش کودکان بخصوص در مورد کودکان در سنین پایین تر دارند.

کارفرمایان هم ممکن است شرایط متفاوتی را برای زنانی که به تازگی مادر شده اند در نظر بگیرند (بیانچی، ۲۰۰۰). چرا که امروزه قوانینی به نفع مادر و کودک وضع شده است که نتیجه آن آسیب کمتر کودک از اشتغال مادر بوده است.

ولدفوگل (۲۰۰۲؛ به نقل از هوستون و آرونسون، ۲۰۰۵) همچنین ترن^{۴۹} و وینروب^{۵۰} (۲۰۰۶) بیان می □کنند، اگر اشتغال مادر قبل از ۹ ماهگی کودک اتفاق بیفتد، ارتباط منفی با رشد شناختی کودک دارد. ولی اشتغال مادر در سنین بعد از دو-سه سالگی کودک ارتباط مثبتی با رشد شناختی کودک دارد.

اما همان طور که بیانچی (۲۰۰۰) بیان می □کند، فقط حدود یک سوم مادران بعد از شش ماه از تولد فرزندشان به کار تمام وقتشان بازمی □گردند. در حالیکه دوسوم دیگر در سالهای اولیه رشد کودک، به تربیت کودک می □پردازند.

بنابراین اشتغال به خودی خود تاثیر نامطلوب چندانی بر کودک ندارد و همان طور که □هافمن (۱۹۸۹) به نقل از شرودر و گوردون، ۲۰۰۲، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۴؛ گلدبرگ و تامپسون^{۵۱} (۲۰۰۸) بیان می □کنند اشتغال مادران متغیری نیست که با رفتارهای آتی کودک ربط داشته باشد، بلکه اشتغال مادر بر محیط خانواده و ملزومات و نحوه بچه داری تاثیر می □گذارد و نگرش والدین، ساختار خانواده و متغیرهای دیگری □توانند تاثیر آن را تعدیل کنند. به عبارت دیگر یک تبیین کلی آن است که اشتغال مادران به تنهایی قدرت پیش بینی اختلالات روانی و رفتاری را در کودکان ندارد و به نظر می □رسد عوامل درون گروهی متعددی از جمله سن کودک در هنگام جدایی روزانه از مادر، طول مدت جدایی روزانه (تمام وقت یا نیمه وقت)، نوع مراقبت اعمال شده در غیاب مادر، کیفیت مهد کودک یا مراکز مراقبت روزانه، چگونگی رفتارهای جبرانی مادر هنگام بازگشت به منزل، سبک والدگری مادر و پدر، میزان مشارکت پدر در مراقبت از کودک در غیاب مادر و □ها عامل دیگر متغیرهای واسطه ای موثر بین رابطه اشتغال مادر با مشکلات رفتاری کودک محسوب می □شوند و این رابطه یک ارتباط مستقیم خطی نبوده و توسط عوامل متعددی تعدیل می □شوند.

48. Mason-Palan

49. Tran

50. Weinraub

51. Thompson

کلارک-استوارت و ماینر^{۵۲} (۲۰۰۸) در پژوهشی مقایسه ای بین کودکان مادران شاغل و خانه دار از لحاظ رشد شناختی اجتماعی و رفتاری آشکار ساختند که مراقبت های غیر مادرانه هم دارای تاثیرات منفی و هم مثبت است به شرط آنکه کودک در مراکز مراقبتی با کیفیت بالا نگهداری شود رشد شناختی، کلامی و اجتماعی او بهتر از کودکانی است که به مهد نرفته اند. اما کودکانی که ساعات زیادی را در مراکز مهد کودکی با کیفیت پایین به سر می آورند مشکلات رفتاری بیشتری دارند. اگر شرایط خانوادگی، کیفیت مهد کودک، تعداد ساعات اقامت در مهد کودک را ثابت نگه داریم تفاوت معنی داری از لحاظ مشکلات رفتاری بین کودکان مادران شاغل و غیر شاغل وجود ندارد.

بر مبنای مطالعاتی که بر روی فاکتورهای تعدیل کننده صورت گرفته می تواند پیشنهاد کرد که اولاً قوانین می بایست از مادران و کودکان حمایت کرده و شرایطی را فراهم سازند تا مادران شاغل بتوانند حداقل در ۲ سال اول زندگی که جدایی روزانه بیشترین تاثیر را بر کودک می گذارد، خود از فرزندشان مراقبت نمایند. بطوریکه مادران بتوانند بدون هراس از دست دادن شغل و سمت خود به راحتی در این سالهای حساس مراقبت از کودک خود را به عهده گیرند. از سوی دیگر کیفیت مراکز مراقبت روزانه از کودکان می بایست با استاندارد های بین المللی از جمله نسبت کودک به مراقب، فضای مهد، سلامت روانی مراقبان، تحصیلات متناسب با نگهداری از کودک و غیره، منطبق گردد. به نظر می رسد در ساعاتی که مادر حضور فیزیکی ندارد چنانچه مراقبان جانشین مادران حساسیت و پاسخ دهندگی کافی برخوردار باشند تا حدی می توانند احساس ایمنی را در کودک تامین نمایند. از سوی دیگر بر اساس آموزشهای مدون به مادران جوان شاغل می توان آنها را آماده ساخت تا به جبران فقدان حضور فیزیکی خود پرداخته و در ساعاتی که در خانه هستند حتماً اوقات متناسب و کافی را در اختیار کودک باشند تا نیازهای روانشناختی او را تامین نمایند. در واقع این مادران باید بتوانند تعادلی بین محرک های رقیب با مراقبت از کودک برقرار نمایند و همواره مراقبت کافی عاطفی از کودک را به هر محرک رقیب دیگر مانند خانه داری ترجیح دهند.

اشتغال مادر موضوع مراقبت های غیرمادرانه را مطرح می سازد. و در این زمینه بسیاری از پژوهش ها بر آثار مراقبت های روزانه موقت بر تحول عاطفی- اجتماعی- رفتاری کودک و سبک های تربیتی والدین متمرکز شده اند.

منابع

- بیرامی، منصور، بهادری، خسروشاهی، جعفر. (1389). ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان راهنمایی، علوم تربیتی، شماره 10، 7-21.
- تکلوی، سمیه. (1390). تاثیر آموزش بازی درمانی مادران بر مشکلات رفتاری کودکان دارای ناتوانی یادگیری، مجله ناتوانی های یادگیری، شماره 1، 44-56.
- رفیع زاده، اعظم. (1381). مقایسه میزان سازگاری فرزندان مادران شاغل و غیر شاغل در دوره پیش دانشگاهی در شهر مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد. شرودر اس. کارولین، گوردون ان. بتی. (2002). سنجش و درمان مشکلات دوران کودکی، ترجمه مهرداد فیروز بخت. (1384). تهران، انتشارات دانژه.
- هوشنگ، محمد علی. (1379). بررسی اختلالات عاطفی - رفتاری میان دانش آموزان مقطع ابتدایی مادران شاغل و غیر شاغل، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- Berger, L. Brooks-Gunn, J. Paxson, C. Waldfogel, Jane. (2007). First – year maternal employment and child outcomes: Differences across racial and ethnic groups, *Children and Youth Services Review*, 30, 365-387.
- Beyer, S. (1995). Maternal employment and children academic achievement: parenting styles as mediating variable. *Developmental Review*, Volume 15, Issue 2, 212-253.
- Bianchi, S. (2000). Maternal employment and Time with children: Dramatic change or surprising continuity? *Demography*, volume 37-number4.
- Brown, J.E. Broom, D.H. Nicholson, J.M. Bittman, M. (2010). Do working mothers raise couch potato kids? Maternal employment and children lifestyle behaviours and weight in early childhood. *Social Science & Medicine*. Volume 70, Issue 11, 1816-1824.
- Clarke-Stewart, K.A. (1989). Infant daycare, maligned or malignant? *American Psychologist*, V.99, No.2, 266-273.
- Clarke – Stewart, K.A. (1993). Day care, Harvard university press. Cambridge, Massachusetts.
- Clarke Stewart, A. Miner J.L. (2008). Child and Day Care Effects of, *Encyclopedia of Infant and Early Childhood Development*, 268-278.
- Colman, P.K. Karraker, K.H. (2003). Maternal self-efficacy beliefs, competence in parenting and toddlers behavior and developmental status. *Infant mental health*, 24, 126-148.
- Cote, M. Sylvana, Borge, I. Anne, Geoffroy Marie, Rutter Michael, Tremblay E. Richard. (2008). Nonmaternal care in infancy and Emotional/Behavioral Difficulties at 4 Years old: Moderation by Family Risk Characteristics, *Developmental Psychology*, Volume 44, 155-168.
- Craig, L., and M. Bittman. (2008). The Incremental Time Costs of Children: An Analysis of Children's Impact on Adult Time Use in Australia. *Feminist Economics* 14(2): 59-88.
- Daniel, S.S. Grzwacz, J.G., Leerkes, Es, Tucker, J. Wen-Juihan. (2009). Nonstandard maternal work schedules during infancy: Implications for children early behavior problems. *Infant Behavior and Development*, Volume 32, Issue 2, 195-207.
- Daniel, s. Stephanie, Grzywacz, g. Joseph, Leerkes Esther, Tucker Jenna, Han Wen-Jui. (2009). Nonstandard Maternal work schedules during infancy: Implications for children's early behavior problem, *Infant Behavior and Development*, Volume 32, 195-207.
- Desjarding, J. L. (2006). Family empowerment supporting language development in young children who are deaf or hard of hearing. *The Volta Review*. 160(3), 275-298.
- Farel, A.M. (1990). Effects of preferred maternal roles, maternal employment and sociodemographic status on school adjustment and competence. *Child Development*, 51, 1179-1186.
- Finlayson, T.L. Siefert, K. ISMAI, L.A. Woosung, S. (2007). Maternal self-efficacy and 1-5 year old children brushing habits. *Community Dent Oral Epidemiol*, 35, 272-281.

- Fogel , A .(1997). *Infancy : Infant , Family, and Society*. West publishing company. Minneapolis. Paul Newyork. Losangeles.Sanfrancisco.
- Fogel,Alen .(1997). *Infancy: Infant , Family and society*. West publishing company. Minnee polisst. Paul Newyork. Losangeles.Sanfrancisco.
- Goldberg .W .A. Thompson .R. Lucas.(2008). *Maternal and Paternal Employment, Effects of . Encyclopedia of Infant and Early Childhood Development, 268-279.*
- Greenberger , E. Goldberg , W.A .(1989). *Work, parenting and the socialization of children. Developmental Psychology. Volume 25, Issue 1,22-35.*
- Hoffman .L.W., Michigan , V .(1979). *Effects of maternal employment on the child: A review of the reach. Developmental Psychology. Volume 10, Issue 2, 204-228.*
- Hoffman .L.W., Youngblade .L.M.(1998). *Maternal employment, moral and parenting style: social class comparisons. Developmental psychology. Volume 19. Issue 3., 389-473.*
- Huston, C. A. Aronson, R. (2005). *Mothers time with infant and Time in employment as predictors of mother-child relationships and childrens early development, Child Development, 2 .*
- Jackson AP, Bentler PM, Franke TM .(2008). *Low-wage maternal employment and parenting style. Sec work, jul: 53(3),267-78.*
- Jackson .P. Aurora, Bentler .M. Peter, Franke .M. Todd .(2007). *Employment and Parenting Among Current and Former Welfare Recipients, Journal of Social Service Research, Volume 33. 13-25.*
- Kalil,A. Dunifon,R.(2007). *Maternal, work and welfare use and child well-being: Evidence from 6 years of data from the woman employment study: Children and Youth Services Reviwe, Volume 29,Issue 6, 742-761.*
- Karremen,A. Haas,S. Tuijl,C. Aken,M &Dekovic,M. (2009). *Relation among temperament, parenting & problem behavior in young children. Infant Behavior and Development, Volume 33, 39-49.*
- Knox, C. Miller and Gennetion , L.(2000). *Reforming welfare and rewarding work :A summary of the final report on the Minnesota family investment program. Available at <http://www.mdrc.org>(2000).*
- Lucas-Tampson , R.G. , Goldberg .A. Wendy, Prause Jo Ann .(2010). *Maternal Work Early in the Lives of Children and Its Distal Associations With Achievement and Behavior Problem: A Meta Analysis, psychological Bulletin, Volume 136, 915-942.*
- Mcwayne, M.C. Owsianik , M. Green, E. L. Fantuzzo ,W. J .(2008). *Parenting behavior and preschool childrens social and emotional skills: A question of the consequential validity of traditional parenting constructs for low-income African Americans. Early Childhood Research Quarterly, 23.*
- Onder,A & Gulay, H .(2009). *Reliability and validity of parenting style & dimensions questionnaire. World conference on Educational Sciences.*
- Ritchie, jane, .(1982). *Child-rearing practices and attitudes working and full-time mothers. Woman's studies International Forum, Volume 5, Issue 5, 419-425.*
- Sadeh,A.Tikotzky , L. Scher,A. (2010). *Parenting and infant sleep, Sleep med rev,14(20), 89-96.*
- Sogaard, A.J. Kritz-Silverstein,D. Wingard,D.L .(1994). *Finnbark hear study: Employment status and parenthood as predictors of psychological health in woman, 20-49 years. International Journal of Epidemiology, 23,82-90.*
- Sung, V. Hiscock, H,Sciberras,E.Efron,D. (2008). *Sleep problems in children with attention-deficit, hyperactivity disorder. Arch Pediatr Adolesc med, 162(4), 336-342.*
- Tran, Henry. Wrinraub, Marsha .(2006). *Child Care Effects in Context: Quality, Stability, and Multiplicity in Nonmaternal Child Care Arrangements During the First 15 Months of Life. Developmental Psychology. Volume 42. 566-582.*
- Vandell,D.L. Ramanan,J .(1992). *Effects of early and recent maternal employment on children from low-income families.Child Development,63,938-949.*
- Weaver ,M.C. Shaw,D.S. Dishion, T.J. Wilson, M.N. (2008). *Parenting self-efficacy and problem behavior in children at high risk for early conduct problems: The mediating role of maternal depression, Infant Behavior & Development, 31,594-605.*

A Study of Child – Rearing Styles and Behavioral Problems of Children with Employed And Unemployed Mothers

Z. Khanjani*
R.Mahmoudzadeh**

Abstract

Mothers out door works have different consequences on child rearing practices and behavioral status. The current research was purposed to study the child rearing styles and their correlations to children behavioral disorders of the employed and unemployed mothers. The present research was a causal – comparative study. The sample was comprised of 120 pairs of mother – child who were selected randomly from four kindergartens in Tabriz. Rutter Behavioral Disorders Questionnaire (mother – instructor form) And Baumrind Child – Rearing Style Questionnaire were implemented. Data was analyzed by using MANOVA and independent t test. The results have shown that employed and unemployed mothers children with regard to the behavioral problems had no significant difference. Housewives had more significantly authoritative child rearing style than the employed mothers. But regarding permissive and totalitarian styles, no significant difference between the two groups was observed.

Keywords: Children behavioral problems, child-rearing styles, employed and unemployed mothers.

*Associate professor of Psychology , Department of Psychology of Tabriz University, Tabriz, Iran(corresponding author, email: zeynabkhanjani@yahoo.com)
**M.S in clinical Psychology, Department of Psychology and Educational Sciences, Tehran Teacher Training University, Tehran, Iran